

زنان، کبوتران و صحن عتیق



نمای کبوتران حرم در تصویر

جواد نوائیان رودسری| عکس‌های تاریخی همواره راوی زوایایی از رویدادهای گذشته هستند که شاید برخی از آن‌ها در هیچ سندومدرکی ثبت نشده باشد. ویژگی مهم عکس تاریخی، عینی بودنش در بیان حالات وقایع است. علمای تاریخ، آن‌را دانشی

«پدیدارشناسانه» می‌دانند، از آن‌رو که هر مورخ در تنظیم اثر خود، نگاهی مستقل و جانب‌دارانه دارد و به‌واقع نمی‌توان دو روایت همگون از یک رویداد تاریخی را یافت که توسط دو شاهد عینی و در یک زمان تنظیم شده باشد. این ویژگی روایت‌های تاریخی، آن‌ها را در برابر نقد آسیب‌پذیر می‌کند و احتمال بروز اشتباه در تفسیر را افزایش می‌دهد.

در عکس تاریخی اما، به مثابه یک سند قابل ارزیابی، این مشکلات و گرفتاری‌ها کمتر است. هر چند که تفسیر محتوای عکس کار ساده‌ای نیست و از اصول خاص خودش -که می‌تواند در برخی موارد آسیب‌پذیر هم باشد- پیروی می‌کند، ارزیابی تصویر و اظهار نظر درباره محتوای آن، بخشی از خروجی خود را مدیون ذهن و تفسیر مستقیم ارزیاب است و این مسئله، وقتی در کنار شواهد و اسناد دیگر قرار گیرد، می‌تواند تفسیر را به واقعیت نزدیک کند؛ بگذریم. هر چند که هر عکس تاریخی دربرگیرنده

محتوای مخصوص به خود است و کشف آن، می‌تواند هیچانی ویژه همان تصویر داشته باشد، برخی از عکس‌های تاریخی به دلیل منحصر به‌فرد بودن موضوع، تعدد شواهد قابل ارزیابی و انحصار خاص زمانی، از جایگاه ویژه و تعیین‌کننده‌ای در حوزه تفسیر عکس‌های تاریخی برخوردارند.

اخیرا وضمن بررسی محتوای بایگانی عکس مرکز اسناد کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، به تصویری بسیار مهم و جذاب از صحن عتیق حرم مطهر رضوی دست یافتیم که باید آن را در زمره چنین عکس‌هایی قرار داد؛ عکسی منحصر به فرد و پر از شواهد تاریخی ناب و متعدد که تفسیر آن می‌تواند جذابیت و هیجان فوق‌العاده‌ای داشته باشد. اهمیت محتوای این تصویر که به احتمال بسیار، قدیمی‌ترین تصویری است که کبوتران حرم در آن ثبت شده‌اند، ما را بر آن داشت تا این تصویر را در قالب یک گزارش مفصل منتشر کنیم و در اختیار علاقه‌مندان بگذاریم.

نمای کلی عکس و تاریخ آن

۴. **الگوی لباس افراد حاضر در تصویر.**

۵. **حضور جمعیت بر فراز پشت بام‌ها و ایوان‌های ضلع جنوبی صحن عتیق.**

مجموعه این چهار شاهد مهم و ارزیابی آن‌ها نشان می‌دهد که تصویر مربوط به دوره قاجار است. سقاخانه نادری هنوز الگوی معماری قدیم را دارد (می‌دانیم که این الگو در دوره پهلوی دوم تغییر کرد و بازسازی کامل شد).

آینه‌های نصب‌شده در ایوان طلا، در ابتدای

دوره پهلوی اول جمع‌آوری شدند و وجودشان نشانه‌ای از قا‌جاری بودن تصویر است.

حوض‌های اطراف صحن و الگوی سنگ چین آن‌ها با الگوی تصاویر دوره قاجار هم‌خوانی دارد. لباس افراد موجود در تصویر، به‌ویژه روبند (برقع) بانوانی که در طبقات فوقانی و فضای مقابل حجره‌ها مستقر هستند، کاملاً با دوره قاجار منطبق است؛ همچنین در میان مردان، نشانی از کت و شلوار و کلاه پهلوی که اوایل دوره پهلوی اول باب شد، دیده نمی‌شود.

آنچه عکس را فوق‌العاده و ممتاز می‌کند

ویژه‌تر آن از این جهت است که حاضران در صفه، همگی خانم هستند. گویا گاه از این فضا برای استقرار بانوان -که احتمالاً از طبقات بالای جامعه بوده‌اند- استفاده می‌شده است. از سوی دیگر، ورود بانوان به فضای پشت‌بام، حتی امروز هم محدودیت‌های خاص خودش را در اماکن متبرکه‌ها دارد، ولی انگار در زمان برداشته شدن عکس، چنین محدودیتی وجود نداشته است. در مورد حضور خانم‌ها در فضای مقابل حجره‌ها هم وضعیت و گزارش‌های تاریخی همین است و به نظر می‌رسد چنین کاری ابداعا رویه نبوده و عمومیت نداشته است.

۲- کبوترهای نشسته بر روی سقاخانه

بر روی سقف طلایی سقاخانه نادری که عموماً آن را با نام سقاخانه اسماعیل طلایی می‌شناسند، حجم زیادی از کبوترها دیده می‌شود. در میان تصاویر دوره قاجار، احتمالاً این قدیمی‌ترین تصویری است که می‌توان در آن حضور کبوتران حرم را به خوبی و در تعداد زیاد مشاهده کرد. هر چند نمای تصویر کبوترها محو است، می‌شود از روی الگوی رنگ بال آن‌ها تشخیص داد که عمدتاً کبوترهای چاهی هستند.

۳- جمعیت مستقر روی پشت‌بام و همای

این حضور

جمعیت حاضر روی پشت‌بام‌ها در این تصویر البته در دیگر تصاویر دوره قاجار هم دیده می‌شود؛ مثلاً در عکس مشهوری که

حضور جمعیت بر پشت بام، اتفاقی است که از ابتدای دوره پهلوی به بعد، ظاهراً غدغن شد و مردم عادی نمی‌توانستند به هیچ مناسبتی، به این فضا وارد شوند. برای پنج شاهد موجود در عکس می‌توان فقدان تیر چراغ‌برق را هم افزود که آماره‌ای برای گرفته‌شدن عکس در نیمه نخست دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار است؛ بنابراین، در این تصویر، با نمایی از ضلع جنوبی صحن عتیق -احتمالاً در میانه دوره سلطنت مظفرالدین شاه قاجار- روبه‌رو هستیم.

۲۰ سال پیش اتفاق افتاد

اعداد «انور»، جاسوس شوروی در مشهد



تصویری از حضور روس هادر ایران، دهه ۲۰ قرن ۱۴ خورشیدی



فرخدا! روزنامه آفتاب شرق در مهر ۱۳۳۴ خبری یک خطی چاپ می‌کند که در آن این‌طور درج شده است: «هشت نفر از جاسوسان شوروی در مرز دستگیر شده‌اند.» این خبر در همین حد باقی می‌ماند و دیگر هیچ روزنامه‌ای درباره سرنوشت این هشت نفر چیزی نمی‌گوید و دادگاهی هم تشکیل نمی‌شود و گویا کسی هم پیگیری خاصی در این باره انجام نمی‌دهد تا اینکه همین روزنامه در اسفند همین‌سال در خبر دیگری این‌طور می‌نویسد: «یکی از جاسوسان شوروی که در مشهد دستگیر شده بود، محکوم به اعدام گردید.» این روزنامه در ادامه این‌طور توضیح می‌دهد: «چندی قبل خبری منتشر کردیم که هشت نفر از جاسوسان شوروی در مرز دستگیر شده‌اند. با اینکه از جزئیات این موضوع هنوز هیچ‌گونه خبری در اختیار جراید گذاشته نشده، مع‌ذالک خبرنگار مخصوص ما در تهران به‌طوری کسب اطلاع کرده است که تاکنون سه نفر از این جاسوسان در دادگاه سری نظامی به اعدام محکوم شده‌اند.»

سالی که این خبر چاپ شده، چهارده سال و شش ماه از شروع جنگ جهانی دوم می‌گذشته است ولی گویا جاسوسان دست از سر مردم مشهد بر نداشته بوده‌اند. آفتاب شرق چنین توضیح می‌دهد: «یکی از این سه نفر که مطابق رأی محکمه به اعدام محکوم شده، کسی است که ۱۰سال تمام در مشهد جاسوسی می‌کرده است و شاید هنوز هم عده‌ای از مردم مشهد که در حوالی کنسولگری شوروی مسکن داشتند، چنین شخصی را بشناسند. این شخص که نام وی «انور» می‌باشد، از جمله مهاجرینی است که در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به ایران آمده و از سال ۱۳۲۰ در مشهد به سر می‌برده اما پس از اشغال ایران توسط قوای بیگانه ناگهان ناپدید شد و پس از چندی مجدداً در مشهد آفتابی گردید.»

برابر آنچه این جریده نوشته، انور تا سال ۱۳۳۰ در مشهد به جاسوسی مشغول بوده و از طرف شوروی‌ها، مأموریت داشته است اطلاعات و اخبار نظامی و غیره را به کنسولگری مشهد برساند؛ «انور اکثراً در نزدیکی کنسولگری شوروی در مشهد اقامت داشت و ظاهراً شغل وی کارمند نیروی دریایی بوده و با یکی از کارمندان کنسولگری نیز دائم‌الترباط داشته است. در سال ۱۳۳۰ به علی‌که هنوز فاش نشده، انور به طرف مرز می‌رود و در حالی‌که قصد داشت از طریق باجگیران به شوروی فرار نماید، توسط مأمورین مرزی دستگیر و تحت‌الحفظ به مشهد اعزام می‌شود. وی در بازجویی‌های اولیه نام خود را عوضی گفته و اظهار می‌دارد که شغل وی فروشنده دوره‌گرد بوده ولی شهربانی مشهد در همان موقع متوجه می‌شود که این شخص همان انور بوده و سابقاً نیز گزارشاتی درباره فعالیت‌های مرموز وی به شهربانی می‌رسیده است. به همین دلیل انور تحت‌الحفظ به تهران اعزام می‌گردد و در تهران پس از بازجویی‌های ممتد اعتراف می‌کند که برای دولت شوروی جاسوسی می‌کرده است.»

انور را در یک محاکمه غیرعلنی اعدام می‌کنند تا پایان سرنوشت یکی از این هشت جاسوس دستگیر شده رقم بخورد ولی انور در روز اعدام تنها نبوده است؛ «هفته گذشته محاکمه و وی به‌طور فردی و سری در یک محکمه صحرایی پایان یافت و محکوم به اعدام گردید. به قرار اطلاع پس از انجام تشریفات مخصوص محکمه صحرایی، حکم اعدام درباره وی اجرا خواهد شد و شاید تا این ساعت هم اعدام شده باشد. به غیر از انور تاکنون محاکمه دو نفر دیگر از جاسوسان -که یکی از آن‌ها به نام «ذغانی» بوده- پایان یافته و هر دو نفر اخیر محکوم به اعدام شده‌اند.»

مشهد قدیم

جهانگردان آمریکایی در مشهد



چند سیاح خارجی در فلکه آب مشهد، سال ۱۳۱۵ خورشیدی

سیدی! مطبوعات قدیمی مشهد اخبار زیادی درباره حضور جهانگردان درج کرده‌اند که خواندنشان خالی از لطف نیست. در نیمه اول دهه ۲۰ قرن ۱۴ نیز گویا یک گروه سه نفری از جهانگردان به مشهد می‌رسند تا روزنامه آفتاب شرق این‌طور بنویسد: «آقایان ویلیام و جان، دو سیاح جوان آمریکایی، مدتی قبل وطن خود را برای دیدن خاورمیانه و اروپا ترک کرده و در ایتالیا با دوشیزه مالت آشنا شده‌اند و از آن پس سه نفری به سیاحت خود ادامه داده و امروز وارد مشهد شدند. نام‌بردگان از کشور ایتالیا، یوگسلاوی، یونان ترکیه و سوریه، لبنان و اردن و عراق دیدن کرده و در ایران به شهرستان‌های اصفهان قزوین، تهران، قم و تخت جمشید مسافرت کردند و شهر اصفهان خیلی مورد توجه ایشان قرار گرفته و از مشهد هم تمجید می‌نمودند.»

جالب است که این سیاحان تصمیم می‌گیرند از طریق یک روزنامه با مردم ارتباط بگیرند و از آنان برای مهمان‌نوازی‌شان تشکر کنند. در ادامه این خبر چنین آمده است: «این جهانگردان پس از اینکه متوجه شدند می‌توانند به‌وسیله روزنامه آفتاب شرق با مردم شهرستان خراسان، حتی ایران، صحبت کنند، اظهار خرسندی نموده و گفتند اغراق نیست، اگر بگویند که در طول مسافرت طولانی خود با مردمی مهمان نوازتر و مهربان‌تر از مثل ملت ایران مواجه نشده‌اند. آن‌ها گفتند البته ملل عرب هم با ما دوست و رفیق بودند ولی در ایران طوری بود که انگار در وطن خود هستیم. سیاحان امروز ظهر، ناهار را با آقای کسلی، سرکنسول آمریکا، صرف نمودند و فردا صبح با ماشین سواری خود به سمت افغانستان حرکت خواهند کرد. آن‌ها در خانمه به خبرنگار ما اظهار داشتند امیدواریم که دولت ایران بتواند به‌زودی پل‌های محکم و عظیمی بر روی رودخانه‌های خود بنا نماید که جهانگردان از این جهت هم نگرانی نداشته باشند. باز هم ما به مشهد خواهیم آمد و دیگر اینکه ما در میان کشورهای خاورمیانه، کشور ایران را کشوری مترقی و با عظمت یافتیم.»

تاریخ و هویت